

جلوه‌های حکمت عملی در پیشه‌های مرتبط با نساجی (بر اساس کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه)

چکیده

هنر و صنعت در تمدن اسلامی همواره با حکمت و اخلاق مداری پیوندی ناگسستنی داشته است. حکمت عملی با محوریت اخلاق اجتماعی، در نگاه اندیشمندان مسلمانی چون خواجه نصیرالدین طوسی جزء موضوعات کلیدی زندگی انسان‌هاست. کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه به عنوان سندی برآمده از تمدن اسلامی در قرن هفتم هجری، از جمله آثاری است که با تبیین دستورالعمل‌ها و الزامات اخلاقی برای صناعات پرکاربرد جامعه همچون نساجی، به صورت کاملاً مصداقی بر مدار جریان‌سازی حکمت عملی گام برداشته است. پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن اثر مذکور، به تحلیل جلوه‌های حکمت عملی پیشه‌ها در صنعت نساجی به عنوان گروهی از هنرهای سنتی اسلامی پرداخته است. سوال این است که بر اساس کتاب معالم القربه، حکمت عملی در عرصه اخلاق اجتماعی صنعت نساجی قرن هفتم ه.ق چگونه و با چه معیارهایی بروز یافته است؟ این پژوهش از نوع توسعه‌ای است. داده‌ها به روش اسنادی گردآوری شده و به روش توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد حکمت عملی در پیشه‌های نساجی بر چهار محور محصول، مردم، نظارت و محیط کسب و کار بروز یافته است. نظر به شاخصه‌های مهم این محورهای چهارگانه، ساختار جریان‌سازی حکمت عملی در پیشه‌ها، بر پیوند میان سه مولفه اخلاق، تخصص‌گرایی و نظم اجتماعی استوار گردیده است.

واژگان کلیدی

هنر و تمدن اسلامی، پیشه‌های نساجی، حکمت عملی، حکمت مدنی، آیین شهرداری، معالم القربه فی احکام الحسبه

از وجوه بارز هنر و صنعت در تمدن اسلامی، ابتناء آن بر حکمت عملی و التزام به اصول اخلاق مدارانه است. مستندات تاریخی و منابع مکتوب برجای مانده از دوره‌های مختلف این تمدن در خصوص صناعات، دلالت صریحی بر اهمیت اخلاق در دو سطح فردی و اجتماعی ارائه می‌دهند. این منابع، با ارائه ساختارهایی از بایدها و نبایدهای اخلاقی، نقش مهمی در تبیین شاخص‌های حکمت عملی در عرصه صنعت ایفا کرده‌اند. بدین سان، می‌توان مجموعه این قواعد را تجلی عینی حکمت عملی دانست که در سامان‌دهی مشاغل و صناعات بر پایه مبانی اخلاقی و اسلامی نقش‌آفرین بوده‌اند. ایجاد اسنادی به مثابه آیین‌نامه با محوریت اخلاق فردی و اجتماعی، نشانگر اهتمام جوامع اسلامی نسبت به تنظیم و هدایت فعالیت‌های صنفی و حرفه‌ای در چارچوب ارزش‌های دینی است. در این زمینه اسنادی چون فتوت‌نامه‌های صنفی آثار شناخته شده‌ای هستند که با رویکردی تعلیمی و تربیتی در راستای تقویت بُعد معرفتی و معنوی اخلاق حرفه‌ای نقش ایفا کرده‌اند و همواره مورد مطالعه پژوهشگران زیادی در حوزه هنرهای کاربردی بوده‌اند. اما در کنار فتوت‌نامه‌ها، در بستر تمدن اسلامی نوع دیگری از آثار نیز شکل گرفته‌اند که محوریت‌شان غالباً بر بُعد اخلاق اجتماعی پیشه‌ها است و به عنوان یک دستورالعمل نهادی، کارکردهای نظارتی و اجرایی را در متعهد شدن صاحبان صنایع به اخلاق اجتماعی و رعایت حقوق مخاطبان بر عهده داشته‌اند. این کارکرد نظارتی که همراستا با جریان امر به معروف و نهی از منکر در سامان‌دهی عملکرد پیشه‌وران مورد توجه بوده است، نشان می‌دهد ضرورت پایبندی به اخلاق اجتماعی در عرصه صناعات چنان برای جامعه اسلامی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر بوده که منجر به تدوین سازوکارهای نهادی و بیرونی در قالبی شبیه آیین‌نامه شده است. پژوهش حاضر درصدد است با تمرکز بر اسناد مذکور، تجلی حکمت عملی در عرصه اخلاق اجتماعی صناعات اسلامی را از نگاه نهاد نظارتی مورد واکاوی قرار دهد.

در این زمینه، یکی از منابع برجسته‌ای که به‌وضوح ابعاد مختلف حکمت عملی در بستر اجتماعی صناعات را بازتاب می‌دهد، اثر «معالم القربه فی احکام الحسبه» است؛ اثری به زبان عربی از قرن هفتم هجری که به‌عنوان راهنمایی جامع برای نهاد حسبت (حسبه) نگاشته شده است. حسبت از ارکان بنیادین تأمین عدالت، نظم اجتماعی و رعایت موازین شرعی در شهرهای اسلامی به‌شمار می‌رفته است و محتسب به‌عنوان ناظر بر حسن جریان امور اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی جامعه، نقشی کلیدی در تحقق این اهداف ایفا می‌کرده است. محتوای کتاب مذکور با استناد به احکام شرعی تدوین شده و در قالب مصادیقی چون صنایع و پیشه‌ها به شیوه‌ای کاربردی و ملموس ارائه گردیده است. تحلیل چنین متونی از آن جهت حائز اهمیت است که امکان شناسایی اصول حکمی و اخلاقی موثر بر اصلاح کارکرد اجتماعی هر حرفه را فراهم می‌سازد؛ اصولی که زمانی در ساختارهای واقعی جوامع اسلامی ساری و جاری بوده‌اند و از هرج و مرج صنفی جلوگیری می‌کردند. امروزه می‌توانند مبنایی برای استاندارد سازی و اصلاح اخلاق اجتماعی حرفه‌ای در هنرهای سنتی محسوب شوند. با وجود آن که کتاب «معالم القربه...» طیف متنوعی از هنرها، فنون و صناعات را در بر می‌گیرد، این پژوهش به‌طور مشخص بر پیشه‌های مرتبط با نساجی و تهیه پوشاک تمرکز دارد. هدف اصلی این مطالعه، استخراج و تحلیل جلوه‌های حکمت عملی و معیارهای اخلاق اجتماعی پیشه‌ها در صنعت نساجی به‌عنوان گروهی از هنرهای سنتی اسلامی است. از این‌رو، پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که بر اساس کتاب مذکور، حکمت عملی در عرصه اخلاق اجتماعی صنعت نساجی قرن هفتم ه.ق چگونه و با چه معیارهایی بروز یافته است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توسعه‌ای است و داده‌ها به روش اسنادی گردآوری شده‌اند. نظر به در دسترس بودن ترجمه فارسی کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه با عنوان «آیین شهرداری در قرن هفتم هجری»، لذا تمرکز اصلی این مطالعه بر تحلیل محتوای نسخه ترجمه شده قرار دارد.

با توجه به اینکه موضوع پژوهش در چارچوب نظری حکمت عملی اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد، کتاب اخلاق ناصری تالیف خواجه نصیر طوسی که آن را مهم‌ترین رساله دوره اسلامی در باب حکمت برشمرده‌اند، به عنوان منبع اصلی در مباحث حکمی و نظری، مبنای تحلیل مفهومی در این مطالعه قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است.

پیشینه پژوهش

در زمینه حسبت، یکی از مشهورترین آثار مدون کتابی است با عنوان نهاییه الرتبه فی طلب الحسبه (شیزری، ۱۳۶۵ ه.ق) که از آثار قرن ششم هجری است. البته همان‌طور که شعار در ابتدای کتاب آیین شهرداری اشاره می‌کند، پیش از آن نیز کتاب‌هایی همچون الاحکام السلطانیه (الموردی، ۱۴۰۵ ه.ق) و احیاء علوم‌الدین (غزالی، ۱۳۸۶) تألیف شده و در آنها مطالبی درباره حسبت آمده بوده است اما اغلب جنبه فقهی محض دارند (قرشی، ۱۳۶۷، ۱). ابن اخوه در تألیف معالم القریه، کتاب نهاییه الرتبه شیزری را مبنای کار خود قرار داده است و از نقاط قوت کتاب آن است که بجای تمرکز بر بیان جنبه فقهی، وارد مصادیق شده و بصورت کاملاً عملی و کاربردی، قواعد حکمی را در دل موضوعات مختلف تبیین می‌کند. در بین مقالات علمی، پژوهش‌هایی با موضوعات مختلف مبتنی بر کتاب معالم القریه، انجام گرفته است. مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی درباره پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آنها بر اساس کتاب معالم القریه فی احکام الحسبه» (فرخی و ناصری، ۱۳۹۴) با هدف شناسایی و دسته‌بندی تقلب در مشاغل صورت گرفته است. مقاله «مدیریت شهری در قرن هفتم هجری بر اساس کتاب معالم القریه فی احکام الحسبه ابن اخوه» (عباسی و فروهی، ۱۳۹۲ الف) مباحث غیرمتعارف اقتصادی و نهاد حسبه را که در تواریخ عمومی کمتر یافت می‌شود مورد مطالعه قرار داده است. در مقاله دیگری با عنوان «بررسی چگونگی اعمال تعزیرات حکومتی در قرن هفتم هجری (براساس کتاب معالم القریه فی احکام الحسبه از ابن اخوه)» (عباسی و فروهی، ۱۳۹۲ ب) به معرفی و نقد این کتاب پرداخته‌اند. «نظری به منشور آداب و اخلاق شهری در گذر زمان تمهیدی برای معرفی کتاب گران سنگ «معالم القریه فی احکام الحسبه یا آیین شهرداری قرن ۷» (باقری، ۱۳۸۹) مقاله دیگری است که صرفاً به معرفی این کتاب به عنوان سندی مدون برای حقوق شهروندی در قرن هفتم هجری پرداخته است. مقاله «حسبه و تضمین کیفیت: دانشی از میراث دوران طلایی اسلام» (Tengku Zawawi و همکاران، 2019) با تأکید ویژه بر نهاد حسبه، به بررسی اهمیت کیفیت از دیدگاه اسلامی می‌پردازد.

با توجه به موارد فوق و جستجوهای صورت گرفته، تاکنون پژوهشی با محوریت شناسایی و تحلیل معیارهای اخلاق اجتماعی صناعات نساجی در تمدن اسلامی به ویژه از دید نهاد نظارتی به رشته تحریر در نیامده است.

مبانی نظری

حکمت عملی در اندیشه اسلامی (با تأکید بر اخلاق ناصری)

خواجه نصیرالدین طوسی، حکیم و متکلم شیعی قرن هفتم هجری قمری است که صاحب کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری در علوم اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات و نجوم بوده است. از جمله آثار مشهور او اخلاق ناصری است. این کتاب را مهم‌ترین رساله در حکمت عملی در دوره اسلامی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۹). فیلسوفان دوره اسلامی، پیش از او در کلیات حکمت نظری آثاری مهم مانند دانشنامه‌ی علایی به فارسی و شفا به عربی نوشته بودند، اما اخلاق ناصری نخستین اثر در حکمت عملی به شمار می‌رود و به همین سبب نیز فیلسوفان متأخر بر خواجه، آن را همچون الگویی در تدوین کلیات حکمت عملی به کار گرفتند (همان).

خواجه نصیر در اخلاق ناصری، تعریف حکمت را این‌گونه بیان می‌کند: «حکمت در عرف اهل معرفت عبارتست از دانستن چیزها چنانکه باشد و قیام نمودن به کارها چنانکه باید به قدر استطاعت تا نفس انسانی به کمالی که متوجه آنست برسد و چون چنین بود حکمت منقسم میشود به دو قسم: یکی علم، دیگری عمل» (طوسی، ۱۴۱۳، ق، ۷)؛ و در تبیین حکمت عملی می‌آورد: «و اما حکمت عملی و آن دانستن مصالح حرکات ارادی و افعال صناعی نوع انسانی بود بر وجهی که مؤدی بود به نظام احوال معاد و معاش ایشان و مقتضی رسیدن به کمالی که متوجه‌اند به سوی آن» (همان، ۹).

بر این مبنا، خواجه نصیر حکمت عملی را دانشی می‌داند که وظیفه آن سامان بخشی و تدبیر رفتارها، روابط و فعالیت‌های انسانی در ابعاد فردی و اجتماعی است به گونه‌ای که متضمن دستیابی به کمال انسانی و تنظیم صحیح روابط انسانی باشد. این شاخه از حکمت، ناظر بر نظام‌مند ساختن سلوک انسان‌ها با هدف رسیدن به غایات اخلاقی و معنوی است و به حسب موضوع به اقسام گوناگون فردی و اجتماعی تقسیم می‌گردد. قسم فردی آن را تهذیب اخلاق خوانند و خواجه نصیر ذیل مبحث حکمت خلقی بدان پرداخته است. بخش اجتماعی حکمت عملی را به دو حوزه جزئی‌تر تفکیک می‌کند: یکی تدبیر خانواده که آن را حکمت منزلی خوانده و دیگری تنظیم روابط میان افراد در سطح شهر و جامعه که آن را سیاست مدن و حکمت مدنی می‌نامد (همان)؛ و این همان نقطه ثقل پژوهش حاضر است.

در بحث از سیاست مدن یا حکمت مدنی به این حقیقت اشاره می‌شود که نوع انسان ذاتاً به تمدن و زندگی اجتماعی و معاونت دیگران نیاز دارد. فلسفه وجود استعداد‌های متنوع در انسانها و گرایش به پیشه‌ها و صناعات مختلف نیز همین معاونت یکدیگر است و امری برخاسته از حکمت الهی و تدبیر آفرینش است. در حقیقت اختلاف و تنوع در پیشه‌ها برای تحقق یک نظام هدفمند و هماهنگ، ضروری است (همان، ۲۰۵-۲۰۹).

نکته قابل توجه در این راستا آن است که اگرچه وجود این صنایع متنوع در بستر زندگی اجتماعی کارکرد حیاتی دارد اما به دلیل پیوند تنگاتنگ با نیازهای زیستی و روابط انسانی، به طور طبیعی محلی برای ظهور فضائل و یا ردایل اخلاقی خواهد بود. در حقیقت خصلت اجتماعی بودن انسان همچون دیگر خصلت‌های طبیعی او سیر تطور می‌پذیرد و انسان می‌تواند گونه‌های مختلفی از اجتماعی بودن اعم از مطلوب یا نامطلوب را از خود بروز دهد (اخوت، ۱۳۹۳). همین امر، ضرورت تدبیر و نوعی ساماندهی اجتماعی را ایجاد می‌کند.

نقش حکمت عملی در ساماندهی اجتماعی صناعات

خواجه نصیرالدین طوسی در ذیل «سیاست مدن» به نکته‌ای بنیادین اشاره می‌کند و آن اینکه کنش‌ها و رفتارهای افراد در جامعه، برخاسته از انگیزه‌ها و خواسته‌های متفاوت و گاه متضاد است. این تفاوت در طبایع و تمایلات، اگر بدون تدبیر رها شود، به بی‌نظمی، تعدی و در نهایت فساد اجتماعی می‌انجامد. از این رو، ضرورتی بنیادین برای تدبیر امور اجتماعی پدید می‌آید؛ تدبیری که طی آن هر فرد در حوزه صنعت و پیشه خویش، تنها در پی یاری رساندن به دیگران و ادای وظیفه‌ای باشد که بر عهده دارد، نه آنکه درصدد تعدی و تصرف در حقوق دیگران برآید. او از این تدبیر با عنوان «سیاست» یاد می‌کند و بر این باور است که این سیاست باید بر قاعده حکمت استوار گردد تا به سیاستی الهی و مبتنی بر عدالت و تعادل بدل گردد (طوسی، ۱۴۱۳، ق، ۲۱۰).

از این رو، هر پیشه و حرفه‌ای در جامعه زمانی می‌تواند مسیر شایسته و کارآمد خود را طی کند که بر پایه قواعد حکمت سامان یابد و تجلی‌گاه اخلاق و عدالت در عرصه اجتماعی باشد.

مبانی حکمت عملی در تعیین باید و نبایدهای اخلاقی

در تعریف خواجه نصیر از حکمت عملی که پیش از این بدان اشاره شد، عبارتی کلیدی وجود دارد که به یک اصل و قاعده مهم دلالت می‌دهد و آن مؤدی بودن به احوال معاد و مقتضی رسیدن به کمال است؛ یعنی در ساختار حکمت عملی، ساماندهی افعال باید در راستای نظام بخشیدن به امور اخروی و حرکت به سمت کمال انسانی باشد. این اصل مهم که لازمه تحقق حکمت عملی دانسته شده، جهت و سمت و سوی مبناها در تعیین باید و نبایدها را روشن می‌سازد. در دستگاه فکری خواجه نصیر، کمال و امتیاز انسان در قوت ادراک معقولات و توانایی تمییز و بازشناسی خوب از بد و زشت از زیبا است، بدین صورت افعال او یا خیر است یا شر و مسیر او یا رو به سعادت است یا شقاوت (همان، ۳۱). در همین راستا معتقد است بالاترین فضیلت آن است که «افعال مردم همه الهی محض شود و افعال الهی خیر محض بود» (همان، ۵۵)؛ و افعالی که چنین باشند، حکمت محض اند (همان، ۵۶). بر انسان لازم است صفات پسندیده را در خود جاری سازد و به سمتی پیش برود که خلیفه خدا بر روی زمین باشد (همان، ۳۵). بر این اساس روشن می‌شود که در حکمت عملی، مبنای تعیین بایدها و نبایدهای اخلاقی باید جهت الهی داشته باشد و تنها معیارهایی می‌توانند چنین ویژگی‌ای داشته باشند که برگرفته از کلام الهی باشند. بدین جهت که خداوند در کلام خود مسیر حرکت به سمت کمال انسانی و مواضع فجور و تقوا را نشان داده‌اند و به استوارترین طریق هدایت نموده است.^۲

علم و آگاهی لازمه تجلی حکمت عملی در صناعات

همچنان که بیان شد کارآمدی هر پیشه و صنعتی مستلزم آن است که بر قاعده حکمت استوار گردد. این امر زمانی محقق می‌شود که هنرمند و صنعتگر در صنعت خود کاملاً بر آن ابعادی که به پدیدآوردن نظم اجتماعی می‌انجامد و نیز جنبه‌هایی که ممکن است موجب انحراف و فساد شود واقف باشد. او باید از دانش و مهارت ویژه‌ای برخوردار شود که هر یک از این جنبه‌ها را تضمین کند تا بتواند رفتار خود را در چارچوب یک شیوه حکیمانه و مسئولانه تنظیم نماید. لذا هرفردی ناگزیر از آموختن این دانش (حکمت عملی) است، زیرا تنها از این طریق می‌تواند در مسیر کسب فضیلت گام بردارد. در غیر این صورت، معاملات و روابط اجتماعی او، خالی از ظلم و بی‌عدالتی نخواهد بود و خود زمینه‌ساز فساد در جامعه می‌گردد (همان، ۲۱۳).

در چارچوب مبانی یادشده می‌توان چنین گفت که شکل‌گیری متونی ساختاریافته و آیین‌نامه‌گون همچون فتوت‌نامه‌ها و نیز اثری چون معالم القرابه فی احکام الحسبه که قرابت معنایی و مفهومی نزدیکی با سنت فتوت دارد، دلالت روشنی هستند بر این حقیقت که

هر صنعتگر در جایگاه حرفه‌ای خویش، ناگزیر از آگاهی نسبت به الزامات اخلاقی و اجتماعی آن حرفه است. این معنا در متون برجسته فتوت صنفی از جمله فتوت‌نامه سلطانی نیز بازتاب یافته و مولف، فتوت را «علم فتوت» می‌خواند (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ۸) و بر لزوم فراگیری و عمل به آداب و رسوم متناسب با هر صنف تأکید می‌ورزد (همان، هفتاد و هشت). لذا در تمدن اسلامی همواره تحصیل این دانش برای پیشه‌وران ضروری تلقی شده است. به‌ویژه آن‌که به حکم سندی چون معالم القریه، این آگاهی صرفاً جنبه فردی ندارد، بلکه چنان اهمیتی دارد که نظارت بر میزان التزام به این اصول وظیفه نهادی بیرونی نیز شمرده شده است. به بیان دیگر، رعایت اخلاق حرفه‌ای تنها تعهدی درونی و اختیاری نیست، بلکه بخشی از ساز و کار نظم اجتماعی است و مستلزم نظامی رسمی برای ارزیابی و مراقبت و تضمین اجرای آن هست.

معالم القریه فی احکام الحسبه

کتاب «معالم القریه فی احکام الحسبه» اثری مهم و ارزشمند در حوزه اجتماعیات دوره اسلامی بوده است. این اثر را به تأسی از نسخه ترجمه شده، می‌توان یک آیین‌نامه جامع شهرداری یا دایره‌المعارفی از مدیریت شهری در تمدن اسلامی نامید، بدین جهت که حاوی دستورات شرعی درباره رفتارهای حرفه‌ای کسبه و پیشه‌وران است و از نظارت دقیق بر جزئیات رفتارها حکایت می‌کند. این متن، اثری است که به احکام در نظام «حسبت یا حسبه» می‌پردازد.

حسبه اصطلاحی رایج در بین فقهای مسلمان است که از یک سو به قاعده امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی اشاره دارد و از سوی دیگر اشاره به وظایف مقامی است که عهده‌دار امر نظارت بر اخلاق اجتماعی بوده است (فرخی و ناصری، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر حسبت نهادی در ساختار حکومتی شهرهای اسلامی بوده که به ویژه در انواع معاملات، وظیفه نظارت بر حسن انجام امور اجتماعی طبق موازین شرعی و عرفی اخلاقی و به مقتضای امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده داشته است (سجادی، ۱۳۹۹). این نهاد، فراتر از یک وظیفه صرفاً نظارتی، از ارکان اصلی تأمین عدالت و نظم در حیات مدنی اسلامی بود.

مؤلف این کتاب، با جمع‌آوری و تدوین احکام فقهی و تجربیات عملی، راهنمایی برای اجرای دقیق وظایف حسبت ارائه داده است (قرشی، ۱۳۶۷، ۴). این متون، با تکیه بر اصول شرعی و مبانی اخلاقی، به تفصیل، به جزئیات مربوط به هر حرفه پرداخته است؛ از نانوا و قصاب گرفته تا زرگر و داروفروش، برای هر یک قوانین خاصی جهت رعایت عدالت و کیفیت تدوین می‌شد. این دقت نظر در جزئیات نشان‌دهنده پیچیدگی و پویایی حیات اقتصادی و اجتماعی در شهرهای اسلامی آن دوران است.

گستره صناعات مرتبط با نساجی در کتاب معالم القریه

محتوای کتاب معالم القریه بر اهمیت و گستردگی حوزه نظارت محتسب دلالت دارد. از ظریف‌ترین صنایع دستی و هنرهای کاربردی گرفته تا خدمات عمومی و ضروریات زندگی روزمره، همه تحت قوانین حسبت قرار داشتند. از جمله پیشه‌هایی که به صورت نظام‌مند تحت نظارت نهاد حسبت بوده و کتاب معالم القریه الزامات حکمی و اخلاقی آنها را با دقت قابل توجهی مورد تبیین قرار داده است، پیشه‌های مرتبط با صناعت نساجی و تولید پوشاک است.

از نکات مهم در ساختار مشاغل در قرون گذشته آن است که تقریباً در هر حرفه‌ای، تخصص‌های متنوعی وجود داشته است (سعید الشیخلی، ۱۳۶۲، ۶۴). برای نمونه برخی برای صنعت نساجی ایران دوره سلجوقی تا یکصد صنف و گروه تخصصی شغلی را بیان کرده‌اند (یوسفی‌فر، ۱۳۸۲، ۴۱۳). تنوع تخصصی در حرفه‌ها در کتاب معالم القریه و در باب هنر صنعت نساجی قرن هفتم هجری نیز قابل مشاهده است؛ بدین معنا که با پیشه‌های متنوعی در ارتباط با این صنعت مواجهیم. متن مذکور، مجموعاً ۱۵ پیشه را در ارتباط با صناعت نساجی دربر می‌گیرد که عبارتند از بزازان، پارچه‌بافان، خیاطان، رفوگران، گازران، کلاه‌دوزان، حریربافان، رنگ‌رزان، نمدمالان، پنبه‌فروشان، کتان‌فروشان، سوزن‌گران و جوالدوزسازان، دوک‌سازان، مطرزان و رقمان.

نسبت میان معالم القریه و فتوت‌نامه‌های صنفی در تجلی حکمت عملی

در نظام فکری اسلامی آثار متعددی به ارائه چارچوب‌های اخلاقی و عملی در عرصه صناعات می‌پردازند. معالم القریه فی احکام الحسبه و فتوت‌نامه‌های صنفی به عنوان نمونه‌هایی از این آثار به جهت آن‌که برآمده از مبانی اسلامی بوده و حکمت عملی در ساخت صناعات را در قالبی شبیه آیین‌نامه جلوه‌گر می‌سازند، پیوندی عمیق دارند. با این حال، رویکرد هر یک از این متون در ارائه اصول اخلاقی وابسته به صناعات، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد.

در خصوص فتوت‌نامه‌های صنفی، محوریت با تهذیب نفس است. همچنان که مولف فتوت‌نامه سلطانی بر این باور است که «موضوع علم فتوت، نفس انسانی» است (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ۸) و فتوت را «ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت صفات نفسانی» توصیف می‌کند؛ به‌گونه‌ای که فضایل اخلاقی ملکه گردد و ردایل به کلی محو شود (همان، ۹). در همین راستا پیران و مرشدانی اهل سیر و سلوک در راس صناعات قرار داشتند و هنرمندان و پیشه‌وران تحت یک نظام استاد و شاگردی، آیین فتوت و مراحل راز آشنایی را در محضر ایشان فرا می‌گرفتند و با نظریه‌های متافیزیکی که مبنای نمادپردازی هنر اسلامی است آشنا می‌شدند. بدین ترتیب فتوت‌نامه‌ها از اصول سلوک عرفانی و تهذیب نفس آغاز گشته و سپس به تبیین اصول اخلاقی و عرفانی در عرصه کار و صنعت توسعه یافتند (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۴). به بیان دیگر، مبنای فتوت‌نامه‌های صنفی، بر پایه مجموعه‌ای از آداب رمزگونه و نمادین (سمبلیک) استوار بوده است (خزائی، ۱۳۸۷، ۱۹).

از جمله این آداب نمادین، نسبت دادن هر کدام از مشاغل به یکی از پیامبران بوده است. برای مثال در فتوت‌نامه چیت‌سازان (که از شاخص‌ترین رساله‌های مرتبط با صنعت نساجی است)، اعتقاد بر این است که حضرت لوط (ع) از سوی جبرئیل، هنر رنگرزی پارچه را آموخت؛ و یا کرباس بافی را به شیث نبی (ع) نسبت داده‌اند (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۶)؛ و یا تدوین‌کننده این رساله را امام جعفر صادق (ع) ذکر کرده‌اند. همه مطالب این رساله اعم از تمام اعمال و حتی ابزارهای مورد استفاده در آن دارای همین نوع معانی مجازی و حقیقی است (کربن، ۱۳۶۳، ۸۲). برای نمونه همراهی برخی اعمال چیت‌سازی با آیات و ادعیه: "اگر پرسند که در چیت بدیگ انداختن کدام آیه میخوانی؟ جواب بگو: «افلا يعلم اذا بعثر ما فی القبور و حصل ما فی الصدور». اگر پرسند که در وقت باسسه کردن کدام آیه میخوانی؟ جواب بگو: «یوم یفر المرء من اخیه و امه و اخیه و صاحبته و بنیه» (صراف، ۱۳۷۰، ۲۲۸)؛ و یا اشارات تمثیلی در بیان ابزار: "اگر پرسند که پشت سنگ چیست و روی سنگ چیست و ذکر کار چیست و ذکر سنگ چیست و اول چه چیز بسنگ اندازی؟ جواب بگو: پشت سنگ شفقت و روی سنگ طهارت و ذکر کار «یا کریم» است و ذکر سنگ «یا رحیم» و اول نظر به سنگ اندازم." (همان، ۲۳۶). همچنین تاکید بر جریان معنویت در فرایند کار: "اگر پرسند که افعال چیت‌سازی چند و کدام است؟ جواب بگو اول با طهارت بودن، و راست گفتن و راستی را در کار خود پیشه کردن، و کم سخن بودن، و چراغ پیران روشن کردن، و بادب خود را نگاه داشتن." (همان، ۲۲۷).

بدین ترتیب در این قسم رساله‌های صنفی، میان کار و جنبه تمثیلی آن نوعی همسانی برقرار شده است. این درحالی است که گزاره‌های کتاب معالم القریه فاقد جنبه تمثیلی و معنایی بوده و وجهه‌ای کاملاً عینی و مادی دارند. گزاره‌ها مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها هستند که به عنوان معیارهای اخلاق اجتماعی، در تعیین استانداردهای حرفه‌ای صناعات، اثرات اجتماعی آنها و پیشگیری از هرج و مرج صنفی نقش ایفا می‌کنند. این تفاوت ریشه در کارکرد هر متن دارد؛ بدین معنا که فتوت‌نامه‌ها کارکرد تعلیمی و تربیتی برای معرفت-بخشی به هنرمندان و صنعتگران داشته‌اند در حالی که آثار صنفی چون معالم القریه، برای نهاد حسبه و در راستای امر نظارت بر عملکرد صناعات در بستر جامعه اسلامی تدوین شده است. هر دو رویکرد، در مجموع، سلامت و پویایی هر صنعت را تضمین می‌کنند و از این منظر مکمل یکدیگر هستند، اما نیازمند بسترهای پژوهشی متفاوتی می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

دسته‌بندی پیشه‌های نساجی

پیشه‌های نساجی بیان شده در کتاب معالم القریه از حیث کارکردشان در حوزه‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. لذا از وجه کارکردی، می‌توان حرف مرتبط با نساجی را در سه دسته کلی قرار داد: پیشه‌های با کارکرد تولید، پیشه‌های با کارکرد تکمیلی و اصلاحی و پیشه‌های با کارکرد عرضه و فروش منسوجات (نمودار ۱).



محورهای بروز حکمت عملی در پیشه‌های نساجی

پیشه‌های وابسته به سه حوزه کارکردی، هر یک به طور مستقل مشمول بایدها و نبایدهایی از طرف نهاد حسبه هستند که به صورت کامل جزئی و مصداقی ارائه شده است. به طور کلی وجه مشترک تمام الزامات اخلاقی دلالت دادن به رعایت اخلاق اجتماعی در متن جامعه اسلامی است که در ابعاد و زمینه‌های مختلفی نمود یافته است. از این منظر حکمت عملی با محوریت اخلاق اجتماعی نقشی برجسته و بنیادین در نظام فکری و اجرایی آن دوران ایفا کرده است. تحلیل این بایدها و نبایدها در هر صنف و با در نظر گرفتن تمام مصادیق آنها، ما را در هر حوزه به محورهای مشترکی دلالت می‌دهند که محل ظهور و بروز حکمت عملی بوده اند. به عبارتی برای جامعه اسلامی، رعایت اخلاق اجتماعی در این محورها حائز اهمیت و مورد تاکید بوده است و پیشه‌های مرتبط با نساجی به صورت مصداقی در این زمینه‌ها مورد نظارت و ارزیابی محتسب بوده‌اند. محورهای بروز حکمت عملی در صناعات نساجی که در نمودار ۲ به نمایش درآمده، به قرار زیر است:

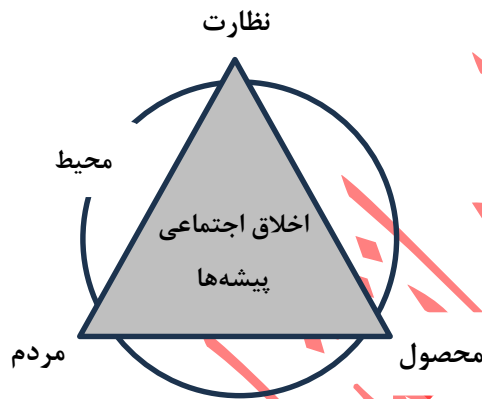
الف) محصول: بخشی از الزامات اخلاقی پیشه‌ها، به طور مشخص ناظر بر کیفیت محصول و استانداردهای فنی و تکنیکی آن است. این موارد به صورت کاملا کاربردی و مصداقی و به تناسب نوع محصول، احکامی را در چارچوب کیفیت و رعایت اصول حرفه‌ای چه در فرایند تولید و چه عرضه و فروش به عنوان معیار ارزیابی در اختیار محتسب قرار می‌دهد.

ب) مردم: تعدادی از بایدها و نبایدها دلالت صریحی بر حفظ و صیانت از حقوق مردم به عنوان مخاطبان پیشه‌ها دارند. این موارد که می‌توان گفت جایگاه ویژه و برجسته‌ای در بین احکام عملی دارند به منظور پیشگیری از هرگونه ضرر و آسیب به مخاطب تدوین شده‌اند. این موارد شامل انواعی از حقوق مادی و معنوی مردم در تعامل با پیشه‌وران است.

ج) نهاد نظارتی: اگرچه کلیت احکام حسب ماهیت نظارتی دارند اما برخی بایدها و نبایدها به طور خاص به نحوه ساماندهی نهاد نظارت اشاره دارند. این گزاره‌ها شاخص‌هایی برای انتخاب ناظر، شرح وظایف و نحوه عملکرد او و یا شاخص ارزیابی محصول ارائه می‌دهند.

د) محیط کسب و کار: بخش دیگری از گزاره‌ها به حفظ سلامت و طهارت اخلاقی محیط کسب و کار می‌پردازند. این الزامات با توجه به ماهیت و کارکرد برخی حرفه‌ها بر ضرورت رعایت قواعد رفتاری خاص در فضای کسب و کار تاکید دارند و لزوم پایش دقیق‌تر در این موارد را گوشزد می‌کنند.

نمودار ۲ - محورهای بروز حکمت عملی در پیشه‌های نساجی (نگارندگان)



در ادامه بحث، مصادیق حکمت عملی در صناعات نساجی که به صورت گزاره‌های باید و نباید اخلاقی در کتاب معالم القربه تدوین شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این گزاره‌ها در قالب جداول ۱، ۲ و ۳ به تفکیک کارکرد پیشه‌ها ارائه شده است. در این جداول ضمن بازخوانی دقیق گزاره‌های اخلاقی مندرج در متن، نسبت هر گزاره با محورهای چهارگانه بروز حکمت عملی نیز مشخص گردیده است. این شیوه طبقه‌بندی، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا نحوه انعکاس حکمت عملی در حرفه‌ها و ساختارهای تولیدی و خدماتی نساجی با رویکردی نظام‌مند مورد تحلیل قرار گیرد.

مصادیق حکمت عملی در پیشه‌هایی با کارکرد تولید

همچنان که در نمودار ۱ مشخص شد، پیشه‌های این گروه شامل پارچه‌بافان، حریربافان، خیاطان، کلاهدوزان، سوزن‌گران و جوالدوزسازان و دوک‌سازان و نمدمالان است. فعالیت این گروه از پیشه‌ها در راستای تولید محصولات مرتبط با حوزه نساجی است. در جدول ۱، گزاره‌های اخلاقی در راستای فعالیت خاص هر حرفه به صورت کاملاً مصادیقی و به تفکیک بیان شده است.

جدول ۱ - مصادیق حکمت عملی در پیشه‌های با کارکرد تولید (نگارندگان)

پیشه‌های با کارکرد تولید	گزاره‌های اخلاقی	محصول	صیانت از حقوق مردم	نظارت	سلامت اخلاقی محیط
	محتسب پارچه‌بافان را موظف بدارد که پارچه را نیکو به عمل آورند و استوار بافند و طول و عرض آن متعارف باشد	کیفیت مطلوب			
	ورشته (ریس یا نخ) را به وسیله سنگ سیاه زبر از پوسته سیاه بپیرایند.	رعایت اصول حرفه‌ای تولید			

پیش‌ه‌های با کارکرد تولید	گزاره‌های اخلاقی	محصول	صیانت از حقوق مردم	نظارت	سلامت اخلاقی محیط
پارچه‌بافان (قرشی، ۱۳۶۷: ۱۶۹- ۱۷۰)	و از پاشیدن آرد و گچ پخته به پارچه که به منظور محکم و عالی نشان دادنش می‌کنند باز دارد زیرا این عمل تدلیس است		منع فریب		
	و فرمان دهد که به هنگام بافتن پارچه تازه و برای رنگ کردن رشته، رشته سفید برگزینند و رشته سیاه را رنگ نکنند، زیرا رنگ نمی‌گیرد و به خریدار ضرر می‌رساند	رعایت اصول حرفه‌ای تولید	منع از متضرر نمودن مردم		
	برخی از پارچه‌بافان فقط روی پارچه را از رشته خوب می‌بافند که این عمل خیانت است و باید مراقبت شود.		منع خیانت و تقلب		
	هرگاه پارچه‌بافی رشته‌ای از کسی گرفت تا برای او پارچه ببافد، باید هنگام گرفتن و پس از بافتن آن را وزن کند تا متهم به خیانت نشود		رعایت امانت		
	و چون کسی ادعا کند که پارچه‌باف رشته او را عوض کرده است در این صورت هرگاه نمونه‌ای از همان رشته داشته باشد و پارچه‌باف آن را بپذیرد، اهل خبثت در این باره نظر می‌دهند و اگر نمونه‌ای یا دلیلی در دست نباشد پارچه‌باف سوگند می‌خورد که تغییر نداده است.		شاخص ارزیابی		
نیاید که پارچه‌بافان پارچه‌ها را در راه‌ها بگسترند، زیرا این عمل سبب زحمت و ضرر عابران می‌شود.		منع مزاحمت		اهتمام به نظم اجتماعی	
حریربافان (همان: ۱۷۳)	محتسب باید فرمان دهد که حریر طبیعی (کز) را پیش از سفید کردن رنگ نکنند تا رنگش ثابت باشد.	کیفیت مطلوب / رعایت اصول حرفه‌ای			
	و برخی حریر شامی را به حریر شهری (بلدی) می‌آمیزند و به نام شامی می‌فروشند و نیز حریر قز رنگ کرده را با قطارش رنگ کرده می‌آمیزند.	منع تقلب			
	و بعضی دیگر حریر را با نشاسته پرورده یا با روغن یا زیتون سنگین می‌کنند یا در ریشه‌های آن گره‌هایی از غیر حریر قرار می‌دهند تا خریدار را بفریبند.	منع فریب			
خیاطان (همان: ۱۷۱)	خیاطان باید در بریدن جامه و زیبایی یقه (طوق) و فراخی بریدگی‌ها و درستی آستین‌ها و دامن مراقبت کنند	کیفیت مطلوب / رعایت اصول حرفه‌ای			
	و بهتر آن است که دوخت جامه استوار باشد و سست نباشد ^۷	کیفیت مطلوب			
	و سوزن بلند و نخ کوتاه باشد.	رعایت اصول حرفه‌ای			
	و شایسته است که قبل از بریدن پارچه گرانها آن را اندازه گیرند، مثلاً اگر پارچه حریر یا دیبا باشد به هنگام گرفتن و نیز پس از دوختن جامه آن را وزن کنند.	امانت‌داری			

پیشه‌های با کارکرد تولید	گزاره‌های اخلاقی	محصول	صیانت از حقوق مردم	نظارت	سلامت اخلاقی محیط
	محتسب باید مراقبت کند تا خیاطان دزدی نکنند چنانکه برخی از ایشان چون جامه حریر و مانند آن بدوزند آب و نمک بدان می‌پاشند تا وزنش افزون گردد.		منع دزدی و تقلب		
	و نیز نباید در دوختن جامه‌های مردم مداخله کنند و با نگاهداری کالای ایشان و رفت‌وآمد بسیار به آنان ضرر رسانند و مدت نگاهداری پارچه نباید بیش از یک هفته باشد مگر آنکه با صاحب کالا از پیش شرط کرده باشند که در این صورت نباید از زمان مشروط تجاوز کنند.		لزوم تعهد		
کلاهدوزان (همان، ۱۷۲)	کلاهدوزان باید کلاه را از پارچه‌های تازه حریر یا کتان بسازند نه پارچه‌های کهنه رنگ کرده چنانکه برخی از آنان به پارچه‌های کهنه نشاسته و صمغ می‌زنند و تدلیس می‌کنند.	کیفیت مطلوب	منع تدلیس		
	پس بر محتسب است که مرتکبان را ادب کند و باز دارد			لزوم تادیب	
نمدمالان (همان، ۲۵۵)	محتسب باید مردی ثقه و آشنا به نمدمالی را بر نمدمالان برگمارد تا در نمد پشم میته به کار نبرند.			شاخص ارزیابی	
	و آن را از نرمی و بدبویی می‌توان شناخت.			شاخص ارزیابی	
	و پشم سر گوسفند و جز آن را نباید استعمال کنند و نشانه آن این است که بسیار زبر است	کیفیت مطلوب			
	و باید صمغ در آن بکار برند و ریخته کتان مصرف نکنند		اصول حرفه‌ای تولید		شاخص ارزیابی
	و محتسب باید از ساختن نمدهایی که از ریزه‌های گیاه کتان به صورت قالبی تهیه می‌شود ممانعت کند.				شاخص ارزیابی
سوزن‌گران و جوالدوزسازان (همان، ۲۴۵)	محتسب باید مردی امین و کاردان به سوزن‌گران و جوالدوزسازان برگمارد			شاخص ارزیابی	
	سوزن فولادی را با نرم آهن مخلوط نکنند چه نرم آهن با فولاد دمشقی قابل اختلاط است و باید هر جنس جدا از جنس دیگر باشد.	کیفیت مطلوب / اصول حرفه‌ای تولید	منع تدلیس		
	و محتسب باید صنعتگران را بدین امر سوگند دهد.			ارائه روش	
	بهترین سوزن‌ها سوزن خیاطی است که مسوده نیز خوانند و عالی‌ترین آنها گرد چشم است	ارائه شاخص / کیفیت مطلوب			
	سوزن‌گران موظف‌اند که سوزن را پس از ساختن در آتش بگذارند و سپس سرد کنند، زیرا فولاد پس از گداخته و سرد شدن شکننده می‌شود اما غیر فولاد بیشتر نرم می‌گردد.	رعایت اصول حرفه‌ای			

پیش‌های با کارکرد تولید	گزاره‌های اخلاقی	محصول	صیانت از حقوق مردم	نظارت	سلامت اخلاقی محیط	
	جوالدوز نیز باید از فولاد یا نرم آهن ساخته شود و بهترین آن فولادی است.	ارائه شاخص / کیفیت مطلوب				
دوک سازان (۲۴۷)	دوک‌سازان باید معروف به امانت و دیانت و پاکدامنی و صلاح باشند چه دادوستد ایشان بیشتر با زنان است.			شاخص ارزیابی		
	و محتسب نباید به کسی که صفات مذکور را ندارد اجازه دوک سازی دهد			روش / تعیین حکم		
	و باید مراقبت کند که در ساختن دوک فقط چوب ساسم (درختی سیاه یا آبنوس) و مشابه آن به کار برند تا فوراً نشکند و نیز مسی که در آن استعمال می‌شود باید مس زرد کوبیده (مضروب) باشد.	کیفیت مطلوب / اصول حرفه ای تولید				
	و باید در داد و ستد با زنان و جز ایشان خدا را در نظر بگیرند.				حفظ حریم در روابط	

مصادیق حکمت عملی در پیشه‌هایی با کارکرد تکمیلی - اصلاحی

پیشه‌های این گروه کارکردی شامل رنگ‌رزان، رفوگران، مطرزان و رقامان می باشد. مصادیق حکمت در این گروه از پیشه‌ها صرفاً در سه محور محصول، مردم و نظارت متمرکز است و گزاره‌ای مرتبط با محیط کسب و کار در این حوزه وجود ندارد لذا در جدول این گروه، محور سلامت محیط حذف شده است.

جدول ۲- مصادیق حکمت عملی در پیشه‌های با کارکرد تکمیلی - اصلاحی (نگارندگان)

پیش‌های با کارکرد تکمیلی - اصلاحی	گزاره‌های اخلاقی	محصول	صیانت از حقوق مردم	نظارت	
رنگ‌رزان (همان، ۱۷۴)	بسیاری از رنگ‌رزان حریر سرخ و جز آن را از رشته و جامه را به جای روناس با حنا رنگ می‌کنند که در آغاز درخشان است اما چون آفتاب بدان رسد، رنگش تغییر می‌یابد و درخشندگی خود را از دست می‌دهد.	کیفیت مطلوب / اصول حرفه‌ای تولید	منع فریب		
	برخی هم از مشتری نقره را می‌گیرد تا آن را به رنگ سرمه‌ای (محلی) کند، آنگاه در ماده‌ای به نام جرادَه فرو می‌برد و سپس با کفک خم آن را به عمل می‌آورد. سپس به مشتری باز می‌گرداند اما پس از مدتی به رنگ اصلی بر می‌گردد. همه این امور تدلیس است و محتسب باید مرتکبان را باز دارد.			منع تدلیس	
	شایسته است که رنگ‌رزان نام‌های هر یک از مشتریان را با مرکب بر جامه‌ها بنویسند تا اشتباه روی ندهد.			رعایت اصول امانت‌داری	
	بسیاری از رنگ‌رزان جامه‌های مردم را به رهن می‌دهند یا آنها را برای پوشیدن به مردم عاریه می‌هند. این کار خیانت و تجاوز است و محتسب باید مراقبت کند.			منع خیانت و تعدی به اموال مردم / رعایت امانت	
و نیز از آمیختن رنگ به مواد دیگر باز دارد		کیفیت مطلوب	منع فریب		

نظارت	صیانت از حقوق مردم	محصول	گزاره‌های اخلاقی	پیشه‌های با کارکرد تکمیلی - اصلاحی
شاخص ارزیابی			و در این موارد از اهل خبره امین و برگزیده باری گیرد	
شاخص ارزیابی	رعایت امانت		شایسته است که رفوگران سوگند خورند که برای گازران و آرد فروشان جامه خز و جز آن را رفو نکنند مگر آنکه در حضور صاحب جامه باشد.	رفوگران (همان، ۱۷۲)
	منع تقلب		و نیز مطرز و رقام، نقش و نگار جامه‌هایی را که گازر یا قصّار نزد او می‌آورد از جامه‌ای به دیگری نقل نکند چنانکه برخی از ایشان چنین تقلبی را درباره جامه‌های مردم روا می‌دارند.	مُطرز و رقام ^۸ (همان، ۱۷۲)
	منع دزدی و تعدی به اموال مردم/ رعایت اصول امانت-داری		محتسب باید مراقبت کند که گازران پارچه‌های مردم را ندرزند و خود یا کارگانشان آنها را نپوشند و به رهن ندهند و بر هر پارچه‌ای نام صاحبش را بنویسند تا پارچه‌ها به هم مشتبه نشود.	گازران (همان، ۱۷۲)

مصادیق حکمت عملی در پیشه‌هایی با کارکرد عرضه محصول

پنبه‌فروشان، کتان‌فروشان و بزازان، پیشه‌هایی هستند که در حوزه عرضه و فروش محصولات نساجی فعالیت داشته‌اند و در کتاب معالم‌القربه به اقتضای نوع فعالیت‌شان مشمول نظارت نهاد حسیبه و رعایت گزاره‌های اخلاقی شده‌اند. گزاره‌های این گروه از پیشه‌ها در هر چهار محور موردتوجه بوده است.

جدول ۳- مصادیق حکمت عملی در پیشه‌های با کارکرد عرضه محصول (نگارندگان)

سلامت اخلاقی محیط	نظارت	صیانت از حقوق مردم	محصول	گزاره‌های اخلاقی	پیشه‌های با کارکرد عرضه محصول
		صداقت در معامله	اصول حرفه‌ای فروش محصول	پنبه‌فروشان باید پنبه تازه و کهنه و نیز سرخ و سفید را از یکدیگر جدا سازند و به هم نیامیزند.	پنبه‌فروشان (همان، ۱۷۶)
		رعایت عدالت	"	و شایسته است که چند بار پنبه را بزنند تا پوسته سیاه و دانه شکسته آن جدا شود زیرا اگر دانه در آن بماند در وزن به حساب می‌آید	
		منع از متضرر نمودن مردم از جهت اموال	آسیب شناسی محصول	و چون در لباس یا لحاف بماند به هنگام شستن و کوبیدن جامه را می‌برد و موجب ضرر مردم می‌شود.	
		منع از تدلیس و فریب	اصول حرفه‌ای فروش محصول	برخی از پنبه‌فروشان پنبه بد قرمز را حلاجی کرده، در زیر پنبه سفید پاکیزه قرار می‌دهند که جز به هنگام رشتن معلوم نمی‌شود.	
رعایت موازین شرعی و اخلاقی در روابط				محتسب باید پنبه‌فروشان را منع کند از اینکه زنان را بر در دکانهایشان بنشانند تا منتظر اتمام حلاجی پنبه باشند و نیز نباید با آنان سخن گویند	

پیش‌های با کارکرد عرضه محصول	گزاره‌های اخلاقی	محصول	صیانت از حقوق مردم	نظارت	سلامت اخلاقی محیط	
	و پنبه را در جاهای سرد و مرطوب برای افزایش وزن آن نگذارند، زیرا پس از خشک شدن از وزنش کاسته میشود و این کار تدلیس است	رعایت اصول حرفه‌ای فروش محصول	منع تدلیس و غش در معامله			
کتان فروشان (همان، ۱۷۷)	بهترین کتان مصری کتان جیزی است و بهترین آن برگش نرم و بدترین آن برگش کوتاه و زبر و شکننده است.	ارائه شاخص برای محصول		شاخص ارزیابی		
	کتان فروشان نباید که کتان بد را به خوب و کتان بحری را به صعیدی و صعیدی را به کوری بیامیزند	رعایت اصول حرفه‌ای فروش محصول	منع تقلب/ صداقت در معامله			
	و زنان را نگذارند که بی سبب بر در دکانها نشینند					پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی
	محتسب تنها به کسی می‌تواند اجازه فروش کتان بدهد که پاک و امانت و خویشتن‌داری و پاکدامنی وی در حضور او ثابت شده باشد، زیرا آنان با زنان دادوستد می‌کنند و محتسب باید مراقبت کامل کند و ست نگیرد.				شاخص ارزیابی	
بزازان (همان، ۱۶۳)	کسی که به دادوستد پارچه‌کثانی می‌پردازد، باید احکام بیع و عقود و موارد حلال و حرام را بداند تا در شبهه نیفتد و کار حرام نکند.		رعایت آداب شرعی فروش	شاخص ارزیابی		
	در روزگار ما بیشتر فروشندگان پارچه کارهای ناروا می‌کنند که اینک در اینجا بیان می‌کنم از آن جمله است «نَجَش» یعنی کسی کالایی را به زیادت بها بخواهد و نخرد و بدین وسیله کالا در افتد. رسول خدا از این کار که خدیعه و مکر است نهی کرد.		منع خدعه و مکر	آسیب شناسی/ تبیین آسیب‌های موجود		
	فروشنده نباید بهای کالا را زیاده از حد معمول گران کند و مردم را بفریبد، چه این کار حرام است		رعایت انصاف و عدالت			
	و از جمله امور حرام این است که کسی کالایی را به بهای معینی به شرط خیار بخرد شخص دیگر به او بگوید که آن را بازگردان من بهتر از آن را به همین بها یا مانند آن را به بهایی کمتر به تو می‌فروشم. این گفتار حرام است.		منع خدعه و مکر در معامله	آسیب شناسی/ تبیین آسیب‌های موجود		
	بر بازرگان واجب است که همه عیوب کالا را چه پنهان و چه آشکار برشمارد و چیزی پنهان ندارد زیرا در صورت کتمان ستمکار و متقلب است و به نصح ^۱ کار نبسته، حال آنکه نصح واجب است. و اگر کسی از دو روی جامه بهترین آن را نشان دهد و دیگری را پنهان دارد یا جامه را در محل تاریک عرضه بدارد خیانت کرده است.		صداقت در معامله/ منع خیانت و تقلب			

بحث

بر اساس داده‌های استخراج شده از جداول فوق، برای صناعات مختلف، مصادیق حکمت عملی در هر یک از محورهای چهارگانه قابل تطبیق و تحلیل‌اند. در واقع، این تحلیل نشان می‌دهد که در فرهنگ حرفه‌ای جوامع اسلامی و به‌ویژه از زاویه دید نهاد نظارتی، هر یک از این محورها واجد مجموعه‌ای از اصول اخلاقی بوده‌اند که رعایت آن‌ها از سوی پیشه‌وران به‌مثابه بخشی از مسئولیت اجتماعی آن‌ها تلقی می‌شده است.

در محور نخست یعنی محصول، مهم‌ترین مولفه‌ای که در حوزه صنایع تولیدی و خدمات تکمیلی-اصلاحی مورد تأکید قرار گرفته، لزوم رعایت کیفیت مطلوب در تولید است. در این دستگاه فکری، ارزش نهادن به کیفیت کالا، نه صرفاً به عنوان شاخصی برای موفقیت فردی در کسب و کار، بلکه به عنوان نشانه‌ای از تعهد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای بوده است. در همین راستا رعایت اصول حرفه‌ای، ملاحظات تخصصی و استانداردهای فنی مربوط به هر پیشه نیز به عنوان یک اصل مورد تأکید قرار گرفته است. این مولفه در حوزه عرضه و فروش محصول نیز قابل رویت است. بدین معنا که برخی از گزاره‌ها، به اهمیت رعایت اصول حرفه‌ای مرتبط با فرایند توزیع و داد و ستد محصول دلالت دارند. حضور این مولفه و تأکید بر آن در تمام حوزه‌ها، دلالتی است بر جایگاه و اهمیت تخصص‌گرایی در صناعات نساجی تمدن اسلامی.

در محور صیانت از حقوق مردم، با طیفی گسترده از مفاهیم اخلاق اجتماعی مواجه هستیم. مفاهیمی نظیر خیانت، دزدی، فریب، تقلب، تدلیس، سوءاستفاده از اعتماد مخاطب و ضرورت امانت‌داری از جمله مفاهیم محوری هستند که در این حوزه برجسته شده‌اند. اگرچه ممکن است برخی از این مفاهیم در معنا با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند، اما هر یک به شیوه‌ای، ناظر بر نوعی آسیب اخلاقی در تعاملات حرفه‌ای هستند. مجموعه این مفاهیم به مثابه شاخص‌هایی برای شناسایی و پیشگیری از نقض حقوق مادی و معنوی مخاطب در بستر صنایع جامعه اسلامی عمل می‌کنند.

در محور نظارت، تمرکز اصلی بر ارائه شاخص‌های دقیق و قابل ارزیابی برای محتسب است تا بتواند عملکرد پیشه‌ها را به صورت تخصصی بررسی کند. بخش دیگری از گزاره‌ها به نحوه مواجهه محتسب با تخلفات و همچنین تبیین آسیب‌های رایج یا محتمل اخلاقی پرداخته است.

مهمترین مولفه در محور سلامت اخلاقی محیط کسب و کار نیز مربوط به حفظ حریم و مراقبت از روابط با زنان است. این تأکید به ویژه در صناعت نساجی به دلیل ماهیت و کارکرد آن که بیشتر با مخاطب زن مواجهه داشته‌اند، اهمیتی مضاعف یافته است. کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه در ساختار مدون خود برای صناعات رایج در بستر تمدن اسلامی همچون نساجی، جلوه‌هایی از حکمت عملی را به منصفه ظهور گذاشته است که شاکله آن بر پیوند میان اخلاق، تخصص‌گرایی و نظم اجتماعی استوار شده است. در این ساختار هیچ امری در حوزه صناعات نساجی، رویکرد فردی ندارد و به مثابه یک امر اجتماعی تلقی می‌شود با ایجاب رعایت تمام اقتضانات و احکام آن. حتی رعایت اصول حرفه‌ای و تخصصی و استانداردهای فنی و تکنیکی نیز به مثابه تکلیف و اخلاق اجتماعی شمرده می‌شوند؛ رعایت این موارد نوعی امانت‌داری حرفه‌ای است که در صورت تخلف، خیانت به جامعه و برهم زدن نظم جامعه را سبب می‌شود.

در این دستگاه فکری، اخلاق اجتماعی حرفه‌ای چیزی فراتر از اخلاق فردی بلکه نوعی کارکرد مدنی و حفاظتی برای سلامت جامعه دارد. با این وصف، صناعت در تمدن اسلامی صرفاً ابزاری برای امرار معاش نبوده، بلکه محملی برای بروز حکمت عملی و بازنمایی اخلاق و عدالت اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بوده است.

نتیجه‌گیری

بررسی گزاره‌های اخلاقی مندرج در متن معالم القربه فی احکام الحسبه نشان می‌دهد این اثر با اتکاء به آموزه‌های اسلامی، به صورت کاملاً مصادیقی و کاربردی جلوه‌هایی از حکمت عملی را با محوریت ساماندهی اخلاق اجتماعی در بستر اصناف پانزده‌گانه صناعت نساجی بازنمایی کرده است. این پیشه‌ها که از حیث کارکرد در قالب سه گروه تولید، تکمیلی-اصلاحی و عرضه قابل دسته‌بندی هستند، با نگاهی همه‌جانبه، در چهار محور کلی مشمول گزاره‌های اخلاق حرفه‌ای شده‌اند که لازم بوده از سوی نهاد حاسبه مورد نظارت دقیق قرار بگیرند. این محورهای چهارگانه شامل محصول، مردم، نهاد نظارتی و محیط کسب و کار می‌باشند و محورهای بروز حکمت عملی در پیشه‌های نساجی را تشکیل می‌دهند. از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی که در محورهای چهارگانه مورد توجه بوده است عبارتند از کیفیت مطلوب و رعایت اصول حرفه‌ای در تولید و عرضه محصول، صیانت از حقوق مردم با محوریت ممانعت

از انواع تعدی همچون دزدی، تقلب و تدلیس و غیره، تشریح وظایف و نحوه عملکرد نهاد نظارتی، حفظ حریم در روابط با زنان و سلامت اخلاقی محیط کسب و کار. نظر به این شاخصه‌ها، آنچه در ساختار کتاب معالم القربه در ساماندهی پیشه‌های نساجی مشاهده می‌شود، پیوند میان اخلاق، تخصص‌گرایی و نظم اجتماعی است. در این چاقوب فکری هیچ یک از شاخصه‌ها، صرفاً رویکرد فردی ندارند بلکه به عنوان مسئولیت اجتماعی تلقی می‌شوند. حتی رعایت اصول فنی، تخصصی و حرفه‌ای نیز تنها در حد مهارت شغلی باقی نمی‌ماند، بلکه در منظومه اخلاق اسلامی، به مثابه نوعی امانت‌داری اجتماعی قلمداد می‌شوند که تخطی از آن، نه فقط خطای حرفه‌ای، بلکه خیانت به جامعه و اخلال در نظم اجتماعی خواهد بود. در حقیقت تمامی شاخصه‌ها نوعی ضرورت ساختاری برای حفظ سلامت نظام اقتصادی جامعه اسلامی بوده است.

با نظر به نتایج فوق‌الثری چون معالم القربه که در بین بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران منبعی ارزشمند تلقی می‌شود، این قابلیت را دارد که همچون الگویی عملی برای ساماندهی اخلاق اجتماعی در سایر پیشه‌ها و صناعات جوامع اسلامی باشد. تحلیل ساختار محتوایی اثر و درک مولفه‌های قوام‌بخش آن می‌تواند در راستای الگوسازی راهگشا باشد. مولفه‌های مذکور از نگاه این پژوهش شامل موارد زیر می‌باشند:

- درک درست و میدانی منطبق با واقع از اوضاع موجود در صناعات نساجی (رصد انواع آسیب‌های اخلاقی در این بستر)
- تاکید بر ضرورت وجود نظارت بیرونی
- دانش و احاطه مولف نسبت به قواعد اخلاق اجتماعی در آموزه‌های اسلامی
- تبیین گزاره‌های اخلاقی متناسب با آموزه‌های فوق
- بهره‌مندی از تجربیات فردی در تدوین گزاره‌های دقیق، جزئی و مسئله محور
- بیان گزاره‌ها به صورت کاملاً مصداقی و کاربردی و اجتناب از کلی‌گویی
- همه جانبه‌نگری در گزاره‌های حرفه‌ای مشاغل (محورهای چهارگانه)

پی‌نوشت‌ها:

^۱ «... بر وجهی که مؤدی بود به نظام احوال معاد و معاش ایشان و مقتضی رسیدن به کمالی...» (همان، ۹).

^۲ فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (شمس، ۸)

^۳ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ ... (اسراء، ۹)

^۴ مولف خود محتسبی سخت‌گیر بوده و نسبت به قواعد دینی نیز آشنایی داشته است (قرشی، ۱۳۶۷، ۴).

^۵ اعم از تولید منسوجات و یا تولید ابزار مرتبط با این صنعت همچون سوزن و جوالدوز و دوک.

^۶ کز یا کج فارسی از قز، به معنی ابریشمی که از پيله به دست می‌آید (همان، ۱۷۳).

^۷ یعنی دوخت ریز و فشرده نه گشاد و باز (همان، ۱۷۲).

^۸ مطرز آنکه جامه را به نقش و نگار بیاراید مانند قلابدوز و رقام آنکه جامه را به خطوط و نشانه‌ها بیاراید (همان، ۱۷۲).

^۹ منسوب به جیزه، شهری در مصر شمالی در ساحل رود نیل (همان، ۱۷۷).

^{۱۰} پند دادن. یعنی "پس از آنکه عیوب را بر خریدار برشمرد بگوید: اگر می‌خواهی بخر و وگرنه فروگذار" (همان، ۱۶۶).

منابع:

- اخوت، احمد رضا (۱۳۹۳). *تفکر اجتماعی، تفکر عینی، هنر خوب زیستن با دیگران*. انتشارات قرآن و اهل بیت (ع).
 - باقری، محمد. (۱۳۸۹). نظری به منشور آداب و اخلاق شهری در گذر زمان تمهیدی برای معرفی کتاب گران سنگ «معالم القربه فی احکام الحسبه» یا آیین شهرداری قرن ۷. *پژوهشنامه*، ۵۸، ۲۴۹-۲۹۹.
 - خزائی، محمد. (۱۳۸۷). جایگاه اصناف فتوت در هنر ایرانی. *کتاب ماه مهر*، ۱۲۱، ۱۸-۲۰.
 - سعید الشیخلی، صباح ابراهیم (۱۳۶۲). *اصناف در عصر عباسی*. ترجمه هادی عالم زاده. مرکز نشر دانشگاهی.
 - شیزری، عبدالرحمن (۱۳۶۵ ق). *نهایه الرتبه فی طلب الحسبه*. مطبعه لجنه التالیف و الترجمة و النشر.
 - صراف، مرتضی (۱۳۷۰). *رسایل جوانمردان*. (چاپ دوم). انتشارات معین.
 - طوسی، خواجه نصیر (۱۴۱۳ ق). *اخلاق ناصری*. انتشارات علمیه اسلامیة.
 - عباسی، علی اکبر و فروهی، آرمان. (۱۳۹۲ الف). *مدیریت شهری در قرن هفتم هجری بر اساس کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه ابن اخوه*. گزارش میراث، ۲ (۳ و ۴)، ۱۶-۲۱.
 - عباسی، علی اکبر و فروهی، آرمان. (۱۳۹۲ ب). *بررسی چگونگی اعمال تعزیرات حکومتی در قرن هفتم هجری (براساس کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه از ابن اخوه)*. *پیام بهارستان*، ۲ (۲۱)، ۳۳۷-۳۴۷.
 - غزالی، محمد (۱۳۸۶). *احیاء علوم الدین*. انتشارات علمی و فرهنگی.
 - فرخی، یزدان و ناصری، سمانه. (۱۳۹۴). *پژوهشی درباره پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آن‌ها بر اساس معالم القربه فی احکام الحسبه*. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۷ (۲۶)، ۷۳-۱۰۶. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286713.1394.7.26.4.1>
 - قرشی (ابن اخوه)، محمد بن احمد (۱۳۶۷). *آیین شهرداری در قرن هفتم هجری*. ترجمه جعفر شعار (چاپ سوم). انتشارات علمی و فرهنگی.
 - کرین، هانری (۱۳۶۳). *آئین جوانمردی*. ترجمه احسان نراقی. نشر نو.
 - الماوردی، ابوالحسن (۱۴۰۵ ق). *الاحکام السلطانیة*. دار الکتب العلمیه.
 - موسوی، سید رضی. (۱۳۹۰). *هنر اسلامی در آینه فتوت‌نامه‌ها با تاکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان*. *مطالعات هنر اسلامی*، (۱۵)، ۲۱-۳۴.
 - واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰). *فتوت‌نامه سلطانی*. به اهتمام محمدجعفر محبوب. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
 - یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۲). *ساختار اقتصاد شهری ایران در دوره سلجوقیان* [رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی]. تهران.
- منابع اینترنتی:
- سجادی، صادق (۱۳۹۹). *حسبت یا حسبه*. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی. <https://www.cgie.org.ir/Fa/article/227281>
 - طباطبایی، جواد (۱۳۹۹). *اخلاق ناصری*. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی. <http://www.cgie.org.ir/fa/article/228663>
- Tengku Nurul Saadah Tengku Zawawi, Mohd Dani Muhamad & Amal Hayati Ishak (2019). Hisbah and Quality Assurance: Learning from Islamic Golden Age Heritage. *Online Journal Research in Islamic Studies*, Vol.6,25-36.

Manifestations of Practical Wisdom in Professions Related to Textile Production (Based on the Book Ma'alim al-Qurba fi Ahkam al-Hisba)

Abstract

Art and craftsmanship in Islamic civilization have always been inextricably linked with wisdom and ethical conduct. Practical wisdom, centered on social ethics and the regulation of behavior in social activities, is regarded by thinkers such as Khwaja Nasir al-Din al-Tusi as an inseparable component of human social life. In this context, the treatise *Maalim al-Qurba fi Ahkam al-Hisba*, as a document emerging from Islamic civilization, reveals the concern of past societies to actualize practical wisdom within the framework of trades and industries. This work, focusing on the institution of Hisba, articulates ethical guidelines and regulatory obligations for widely practiced crafts such as textile production and garment manufacturing, taking a thoroughly practical and case-based approach to institutionalizing wisdom. The Hisba was considered one of the fundamental pillars for ensuring justice, social order and adherence to religious regulations in Islamic cities. The muhtasib, as the overseer of the proper conduct of social, economic, and ethical affairs within the community, played a key role in achieving these objectives. The content of the aforementioned book is based on Islamic legal rulings and is presented in a practical and tangible manner through examples from various crafts and professions. The analysis of such texts is significant because it enables the identification of the jurisprudential and ethical principles governing each profession. This study seeks to answer the following question: Based on *Maalim al-Qurba*, how did practical wisdom manifest in the ethical framework of the textile industry in the 7th century AH and according to what criteria?. Grounded in the aforementioned text, this study analyzes the manifestations of practical wisdom and the criteria of social ethics in textile-related occupations, categorized as part of the traditional Islamic arts. This research is a developmental study. Data were gathered through documentary methods and analyzed using descriptive-analytical techniques. The primary focus of this study is the content analysis of the Persian-translated version of the source text, published under the title "The Regulations of City Governance in the Seventh Century AH". Furthermore, as the research is framed within the theoretical paradigm of Islamic practical wisdom, *Akhlaq-i Naşeri* by Nasir al-Din al-Tusi has been utilized as the main philosophical source for conceptual analysis. The findings reveal that practical wisdom within textile-related professions is manifested through four main dimensions: product, people, supervision, and business environment. Each of these dimensions encompasses key elements of professional ethics that must be monitored and upheld by supervisory institutions. Ensuring product quality and adherence to professional standards, protecting public rights by preventing various forms of injustice, the ethical functioning of regulatory bodies, and the preservation of dignity and integrity in business interactions all constitute central components of practical wisdom in the textile trades. According to these indicators, the structural dissemination of practical wisdom in professions is based on the interconnection of three elements: ethics, specialization, and social order. Within this conceptual framework, none of these components are viewed as merely individual obligations; rather, they are considered social responsibilities and structural necessities for maintaining the integrity of the Islamic economic system.

Keywords:

Islamic Art and Civilization, Textile Professions, Practical Wisdom, Civic Wisdom, Principles of Urban Governance, *Maalim al-Qurba fi Ahkam al-Hisba*